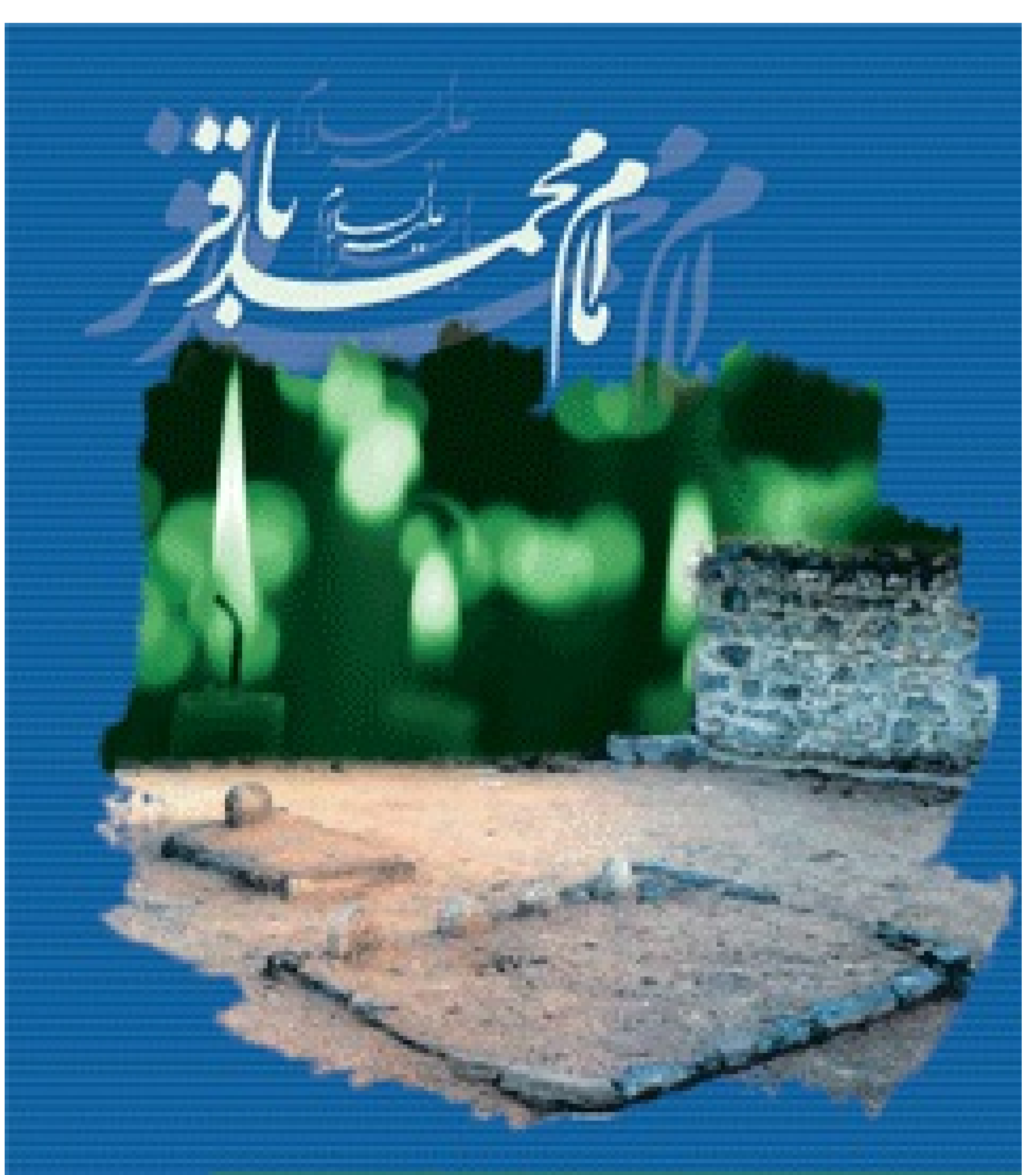


بزرگداشت امام محمد باقر (علیه السلام)

سخنرانی حضرت آیت ا... سید حسن فقیه امامی (دام ظله)


بسم الله الرحمن الرحیم

شهادت امام محمد باقر (علیه السلام)

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شهادت امام محمّد باقرعلیه السلام

مشخصات کتاب

سخنرانی حضرت آیت اللَّه حاج سیّد حسن فقیه امامی «حفظه اللَّه»

ویژه شهادت امام محمّد باقرعلیه السلام

متن سخنرانی

بِسْمِ اللَّه الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

الحَمْدُ لِوَلِیِّهِ وَ الشُّکْرُ عَلی نَعْمَائِهِ وَ الصَّلوهُ وَ السَّلامُ عَلی سَیِّد اَنْبیَائِهِ النَّبِیِّ الاُمِیّ العَرَبی المَکّی المَدَنی الاَبْطَحی التَهَامِیّ سَیِّدنَا اَحْمَدْ وَ نَبِیِّنَا أبی القَاسِمِ مُحَمَّد صَلّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم وَ اللَعْنَهُ الدَائِمَهُ الاَبَدیَه عَلی أعْدَائِهِمْ وَ مُخَالِفیهِمْ وَ مُعَانِدیهِمْ أجْمَعینَ مِنْ الآنَ الی قِیَامِ یَومِ الدِّینَ رَبِّ أَدْخِلْنی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنی مُخْرَجَ صِدْق.

شهادت پنجمین اختر تابناك ولایت و امامت آقا امام محمد باقرعلیه السلام را به ساحت مقدس حضرت ولی عصر –ارواحنا فداه– و همه شیعیان آن بزرگوار تسلیت می گوئیم.

مناسب دیدم در رابطه با حضرت امام باقرعلیه السلام که چه خدماتی داشتند و این بزرگوار برای ما الگو و اسوه ای هستند در این خدماتی که برای شما بیان می کنم.

اولاً نام گذاری این بزرگوار به امام باقر بوسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بود.

حضرت به جابر بن عبداللَّه رحمه الله فرمودند: تو فرزند مرا درك می کنی که یَبْقَرُ الْعِلْمَ (شکافنده علم است) پس سلام مرا به او برسان.(۱)

جابر تا زمان امام محمد باقرعلیه السلام زنده ماند و سلام رسول گرامی اسلام را به آن حضرت رسانید.

بَقْر به معنای شکافتن است، مثلاً برای اینکه زمین را بشکافند تا آن نیروهای زیر زمینی را احیاء کنند این را بَقْر می گویند و باقر به معنای شکافنده است حال چه چیزی را می شکافد. پیغمبرصلی الله علیه وآله فرمودند: علم را می شکافد.

این شکافتن علم به چه معنا است؟

مقدمتاً مطلبی را بیان می کنم، از زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله تا برسد به زمان امام باقرعلیه السلام،

پیامبر اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام مثل امیر المؤمنین مطلب را می گفتند ولی مردم قدرت تجزیه و تحلیل آن را نداشتند.

یعنی این قدر رشد فکری نداشتند که اصول را گرفته و فروع را از آن استنتاج کنند. ائمه باید اصول را می گفتند و مردم باید فروع را از دل اصول بیرون می آوردند مثل کاری که الآن فقها می کنند. اصول و قواعد کلیّه را از ائمه گرفته اند و خودشان فروع را با اصول تطبیق می دهند و معنای فقه همین است.

هر چه ائمه علیهم السلام در آن زمان می گفتند مردم مثل ضبط صوت آن را ضبط می کردند حافظه آنان بسیار قوی بود. آن خطبه های طولانی و مفصّل امیرالمؤمنین را ضبط می کردند ولی در حدّی نبودند که روی مطالب کار کنند و از آن استفاده های کلان ببرند.

در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله آن دو خلیفه نابحق نگذاشتند احادیث پیامبرصلی الله علیه وآله نشر پیدا کند حتی از چیزهائی که مردم می توانستند حفظ کنند جلوگیری کردند که از پیامبرصلی الله علیه وآله چیزی نقل نشود.

صد سال طول کشید در ظرف این صد سال مردم جرأت نداشتند که بگویند: «قال رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله».

بعد از صد سال که عمر بن عبدالعزیز بر سر کار آمد و دیگر دوران بنی امیّه رو به ضعف و پایان بود سیاست عمر بن عبدالعزیز اقتضا می کرد که مقداری آزادی بدهد و اجازه داد احادیث رسول خدا نقل شود ولی زمانی اجازه داد که دیگر محدّثین مرده بودند و از پیامبر چیزی در دسترس نداشتند.

البته پیروان امیرالمؤمنین در خفا احادیث را حفظ کرده بودند ولی کفایت نمی کرد.

اولین خدمتی که امام باقرعلیه السلام کردند

نشر احادیث رسول خدا بود.

از زمان رسول خداصلی الله علیه وآله تا امام باقرعلیه السلام چندین سال فاصله بود و می بایست روایات سند متصل داشته باشد.

از امام باقرعلیه السلام سوال شد، سند متّصل روایاتی را که شما از رسول خدا نقل می کنید چیست؟

ایشان فرمودند: هر آنچه می گویم از پدرم امام چهارم حضرت سجادعلیه السلام نقل می کنم که در بزرگواری، عصمت، زهد، تقوا، علم و فضیلت ایشان کسی تردیدی نداشت. آنچه ایشان نقل کرده اند از پدرشان امام حسین علیه السلام و آن حضرت از پدرشان مولا امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از رسول خداصلی الله علیه وآله که این سلسله سند معتبرترین سلسله سند احادیث است.(۲) و بوسیله امام باقرعلیه السلام که حافظ همه احادیث پیامبر و سنّت رسول خداصلی الله علیه وآله بودند روایات پیامبر اکرم نشر پیدا کرد و مردم توانستند از طریق امام باقرعلیه السلام با سنّت پیامبر اکرم آشنا شوند و این بزرگترین خدمتی بود که امام باقرعلیه السلام به دین مبین اسلام کردند.

بسیاری از احادیث را حتّی علما و محدثین عامه از امام باقرعلیه السلام نقل کرده اند.

نشر حدیث، حدیث سالم است، نه حدیث انحرافی و تحریف شده.

البته می دانید اهل سنّت چون به سنّت پیامبر دسترسی نداشتند شروع به جعل احادیث کردند. ده هزار، بیست هزار، کمتر یا بیشتر به عنوان فعل ثواب دروغ نقل حدیث کردند.

اگر می خواهید این مطلب را خوب بدانید و باور کنید به کتاب الغدیر مراجعه کنید. مرحوم علامه امینی رحمه الله به عنوان سلسله الوضّاعین بحثی دارند.(۳)

خود سنّی ها نوشته و اقرار کرده اند که جعل احادیث را ثواب می دانستند و چیزهائی را که به ذهنشان خوب می آمد از قول رسول خدا

می گفتند تا مردم آن ها را باور و بدان عمل کنند چون اگر استناد به رسول خدا نمی شد مردم زیر بار نمی رفتند به همین علّت بازار جعل حدیث بسیار داغ بود.

اما اگر احادیث معتبر و صحیح را می خواستند هیچ راهی نداشته جز این که به امام باقرعلیه السلام مراجعه کنند.

بَقْر از همین جا است. این چیزهائی که زیر پوشش تقیّه نهفته شده و پنهان بود حضرت پرده ها را عقب زدند و حقایق را برای مردم شکافتند و این اولین خدمت امام باقرعلیه السلام بود.

حضرت دوّمین خدمت را به فقه کردند یعنی تا زمان امام باقرعلیه السلام این فقهی که امروز مصطلح ما است که مراجع قوانین را می گیرند و مشکلات فروعات را از طریق این قوانین حل می کنند.

برای مثال: از امام می پرسند اقل حمل چقدر است؟ یعنی یک زن چند ماه که بگذرد می تواند وضع حمل کند؟

حضرت می فرمایند: شش ماه. از ایشان دلیل می خواهند. اینجاست که خاصیت فقه معلوم می شود. حضرت دو آیه را کنار هم می گذارند و با استفاده از این دو آیه اقل حمل را شش ماه می دانند.

آیه اول: «وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً»(۴)

دوران آبستنی زن و شیر دادن او سی ماه است.

آیه دوم: «وَ الْوالِداتُ یُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کامِلَیْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ یُتِمَّ الرَّضاعَه»(۵)

یعنی کسی که می خواهد شیر کامل بدهد دو سال بایستی شیر دهد.

دو سال بیست و چهار ماه است و حمل و فصال سی ماه می باشد. بیست و چهار ماه را از سی ماه کم می کنیم شش ماه می شود این فقاهت است.(۶)

فقاهت به این صورت نبود. امام باقرعلیه السلام علم فقه را که استنتاج فروع از اصول باشد پایه

گذاری کردند.

فقهای عامّه این چیز را نداشتند که بتوانند از آیات قرآن و سنّت پیغمبرصلی الله علیه وآله استفاده کنند ناچار شدند که به آراء خودشان استناد کنند مثل ابی حنفیه و امثال او.

آن ها آنچه را به فکرشان می رسید ملاک قرار می دادند و حکم می کردند. حکم آنان مستند به کتاب و سنّت نبوده و ریشه نداشت.

«وَ مَثَلُ کَلِمَهٍ خَبیثَهٍ کَشَجَرَهٍ خَبیثَهٍ»(۷)

قرآن کلمه طیّبه را می فرماید. ریشه کلمه طیّبه در زمین است ریشه دار است و مثل کلمه خبیثه مثل آن گیاهی است که ریشه اش در اعماق زمین نیست و سطحی است.

«ما لَها مِنْ قَرارٍ»(۸) ریشه ندارد.

این یک چیز منطقی است، خوب دقت کنید ببینید خدمتی که امام باقرعلیه السلام به فقاهت کرده اند چه بود؟

قرآن اجازه نمی دهد کسی جز خدا حکم صادر کند.

«وَ مَنْ لَمْ یَحْکُمْ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولئِکَ هُمُ الْکافِرُونَ»(۹)

کسی حق قانون گذاری ندارد این حقّی است که «لَهُ الْحُکْمُ»(۱۰) حکم مختص به خدا است.

پیغمبر خدا به خودشان اجازه نمی دادند که بدون اذن خدا حکمی صادر کنند. در تغییر قبله جوری بود که مدّت ها پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله سرشان به طرف آسمان بلند بود تا وحی شود و دستور تغییر قبله بیاید.

«قَدْ نَری تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَهً تَرْضاها»(۱۱)

وقتی که در نماز به پیغمبر خطاب شد: «فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ»(۱۲) پیغمبر با آن عظمت امکان نداشت بدون اذن خدا حرفی بزنند. گفت: «وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَیْنا بَعْضَ الْأَقاویلِ ۴۴ء لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْیَمینِ ۵۴ء»(۱۳)

خداوند پیغمبر را تهدید کرده که اگر یک کلمه بدون اتّکای به وحی چیزی بگوید رگ حیاتی او را قطع می کنیم و قدرتش را از او می گیریم.

«ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی

۳ء إِنْ هُوَ إِلاَّ وَحْیٌ یُوحی ۴ء عَلَّمَهُ شَدیدُ الْقُوی ۵ء »(۱۴)

پیامبر گاهی مدّت ها به انتظار وحی می نشست تا یک حکم صادر شود و این ها می گفتند: خیر.

ابی حنیفه در چهل مسئله گفت: «قال رسول اللّه کذا و انا اقول کذا». با قیاس از ذهنیّت های خودش و با طرز تفکّر خودش.

پس این ها ریشه ندارد و ریشه اش به طرز تفکّر ابی حنیفه می رسد.

امام باقرعلیه السلام که استاد ابی حنیفه بودند و خود ابی حنیفه به شاگردی حضرت افتخار می کند و می گوید: «لولا سنتان لهلك نعمان»(۱۵) است که اینطور افتخار می کند.

امام باقرعلیه السلام به خود اجازه نمی دادند که از خودشان چیزی بگویند، استناد به سنّت پیامبر و قرآن کریم می کردند و باب فقه را این گونه باز کردند.

می دانید فقه، استنباط حکم از ادلّه تفصیلی است. این فقاهت است. ریشه افکار امام یا کتاب بود که قرآن باشد و یا سنّت که از پیغمبرصلی الله علیه وآله نقل حدیث می کردند.

بنابراین کلمه ایشان، کلمه طیّبه بود که ریشه اش وحی بود.

ما چقدر باید افتخار کنیم که پیرو مکتبی هستیم که ریشه دار است.

باب فقاهت را امام باقرعلیه السلام باز کردند که هم شیعه ها و هم اهل سنّت از آن زمان شروع به تدوین و بحث در مسائل فقهی نمودند. قبل از امام باقرعلیه السلام چیزی به عنوان فقه در بین اهل سنّت نبود و شیعه ها نیز در تقیّه بودند و جرأت اظهار نظر در مسائل فقهی را نداشتند.

امام باقرعلیه السلام این باب را فتح کردند و علم فقه را که از شریف ترین علوم الهی است را پایه گذاری کردند و نشر دادند.

این خدمت دیگری بود که حضرت امام صادق علیه السلام و دیگر

ائمه علیهم السلام نیز ادامه دادند و این فقه قویم شیعه را پایه گذاری کردند.

فقه ما فقه اصیلی است. طبق آنچه تحقیق و بررسی کرده اند در کتاب جواهرالکلام شصت هزار مسئله فقهی است که اگر صادقین علیهما السلام نبودند امکان نداشت که هزار مسئله از آن ها را هم بتوان جمع کرد.

و در کتاب وسائل الشیعه مرحوم شیخ حرّ عاملی، احادیثی را جمع آوری کرده که زیر بنای فقه ما است، اکثر آن از امام باقر و امام صادق علیهما السلام است.

ما باید به چنین مکتب و چنین پیشوایانی ببالیم که این فقه قویم را برای ما پایه گذاری کرده اند و این خدمت دیگر امام باقرعلیه السلام به عالم فقه بود.

من بدون اقرار می نوانم در یک ماه، روزی یک ساعت درباره فقه صحبت کنم که اصلاً ماهیتش چیست؟ و چه عواملی دست به دست هم داده تا این فقه جواهری بوجود آمده است.

متأسفانه یک افکاری مثل افکار ابوحنیفه، یک فقه بی پایه و بی مایه و گاهی بر خلاف متن قرآن، در حوزه ها دارد راه پیدا می کند. آدم هائی که مغزهایشان را روشن فکرها شستشو داده و آن ها را از مسیر روایات خارج کرده اند و شروع کرده اند روی همان مبانی قیاس و استحسان و مصالح مرسله و فتح ذرایع کار کنند.

این حرف ها، کم کم در حوزه ها راه پیدا کرده است و بدعت ها دارد گاهی بصورت مسائل فقهی و استفتاء و فتوا نشر پیدا می کند. واقعاً این برای فقه شیعه فاجعه است اسم آن را هم فقه پویا می گذارند و می خواهند بگویند ما طبق شرائط روز فتوا می دهیم.

شرائط روز از کجا گرفته شده است؟ از سازمان حقوق بشر! آن ها فتوا می دهند

و این ها می خواهند فتوا را با روایات و آیات قرآن تطبیق بدهند، نمی شود. اسمش فقه پویا شده است.

فقه خودش در روایات و احادیث ما و در قرآن پویائی دارد و ریشه اش وحی است امّا آن پویائی که حضرات می گویند ریشه اش سازمان حقوق بشر است.

برای مثال سازمان حقوق بشر می گوید تعدد زوجات جایز نیست این ها نیز همان حرف ها را نشخوار می کنند.

یا مثلاً فرض در مورد صداق و مهریه زن که این صداق اهانت به مقام مقدس زن است، این بر خلاف صریح قرآن است و... نمی خواهم کم کم پیش برویم.

مرحوم امام می فرمودند: «فقه جواهری فقه سنّتی و ریشه دار است».

ریشه اش مغزهای آلوده و مخمور انسان ها نیست، ریشه اش وحی است. اگر توانستیم احکام خدا را به وحی متّصل کنیم آن قداست دارد. اگر نتوانستیم باید ساکت بشویم. با این اطلاعات محدود حقّ دخالت در احکام خدا را نداریم.

فقه چیز بازیچه ای نیست که هر روز دستخوش تفکّرات عدّه ای قرار گیرد. اگر کار به قیاس کشید و به جائی رسید که هر کس طبق نظر خودش یا تلقین دیگران بخواهد فتوا دهد هرج و مرج لازم می آید.

خدا نکند این باب در حوزه های ما مفتوح شود که هر کسی از راه می رسد نگاه کند به غربی ها یک گوشش به شرق و یک گوشش به غرب باشد و با طرز تفکّر آن ها بخواهد فتوا بدهد نه با «قال الباقر و قال الصادق علیهما السلام».

تا اینجا خدمات امام باقرعلیه السلام به فقه بود؛ فقهی که متّکی به رسول خدا و رسول خدا متّکی به وحی هستند.

خدمت بزرگ دیگری که امام محمد باقرعلیه السلام کردند به عالَم در «علم تفسیر» بود.

یکی از فجایع و

دردهای بی درمان و خطرهای عجیب که در آن زمان بود این است که یک عده یهودی تظاهر به اسلام کردند مثل: کعب الاحبار، عبداللّه ابی و ...

این فجایع بیشتر در زمان معاویه اتفاق افتاد. فقهای اهل سنت همیشه وابسته به حکومت های جائر بودند. کعب الاحبارها در زمان معاویه بوجود آمدند و اسرائیلیات را به خصوص وارد در تفسیر کردند. و این خیانت را به تفسیر کردند که الآن جدا کردن اسرائیلیات از تفسیر کار مشکلی است. تا آن جا که دامن انبیاء را نیز آلوده کردند. مثلاً راجع به حضرت داوود گفتند که حضرت داوود بر بام خانه اش رفته و بر خانه همسایه اشراف پیدا کرده است.(نعوذ باللّه) چشم چرانی کرده و چشمش به زن همسایه افتاد و زیبایی زن او را جذب کرد. جنگی به راه انداخت و شوهر زن را به جنگ فرستاد. شوهر زن کشته شد و داوود زن را به عقد خود در آورد.

امام باقرعلیه السلام فرمودند: «هر کس را با این عقیده پیش من بیاورند بر او حدّ جاری می کنم».

و به این طریق با اسرائیلیات مبارزه کردند و مسائلی را که بطور انحرافی در تفسیر بوسیله یهودی ها وارد شده بود تجزیه و تحلیل کردند. و آن مفاهیم اصلی تفسیر را به شاگردان خود تعلیم دادند. و این چنین از حریم قرآن دفاع کردند.

این خدمت ساده ای به قرآن نیست. چون آن ها هدفشان این بود که قرآن را از مسیر اصلی خودش بیرون کنند. اگر بخواهید بدانید که این ها چه خیانتی به قرآن و تفسیر قرآن کرده اند، یک مورّخ مزدور بنی امیّه «طبری» که آن تاریخ معروف را نوشته، اکثر آیات

قرآن را با دیدگاه یهودی ها تفسیر کرده است. آن وقت می بینیم عدّه ای از مورّخین مانند وحی منزل با تاریخ طبری عمل می کننـد. وقـتی می خواهنـد در تاریـخ، سـند بدهنـد، از طبری سـند می آورنـد. وقتی مراجعه می کنیم، می بینیم اللّه اکبر که این مورخ مزدور چه خلاف کاری هایی در تاریخ کرده، که چشم انسان راست می ایستد.

بعضـی از محققین شـیعه، نقـاط ضـعف تفسـیر طبری را جمع آوری کرده انـد و می بینیم که در اصول و ریشه های اعتقادی و تفسیری چقدر انحراف ایجاد کرده است. که جدا کردن آن ها بسیار مشکل است.

در جامعه شیعه و سنی، تاریخ طبری به عنوان یک تاریخ معتبر جا افتاده است.

امـام باقرعلیه السـلام موضع گیری حادّی علیه اسـرائیلیات کردنـد. این باز گوشه ای دیگر از خـدمات حضـرت بود که بقر علم کرده یعنی آن علم صـحیح را به مردم ارائه کردند و فرمودند: «شَرِّقَا وَ غَرِّبَا فَلَا تَجِدَانِ عِلْماً صَحِيحاً إِلَّا شَيْئاً خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»(۱۶)

به شرق بروید یا به غرب بروید علم سالم و صحیح پیش ما است.

هر کجا برویـد علم آلوده است تنها جایی که می توانیـد علم درست را به دست آورید نزد ما اهل بیت علیهم السـلام است که این علم ریشه اش وحی است (البتّه شرح و تفصیل دارد و نمی شود همه آن ها را در یک سخنرانی گنجاند).

خدمت بزرگ دیگری که امام باقرعلیه السـلام نمودند در مسائل کلامی بود. در آن زمان افکاری در بین جامعه نشر پیدا کرده بود.

مکتبی را که شیخین پایه ریزی کرده بودند از افکار اهل سنت بود که حساب آن ها جداست یکی از بحث های کلامی متوجه این گروه بود. ولی حضرت با چند گروه دیگر نیز مواجه بودند یکی با «مُرْجَعه»

که بحث مفصّلی دارد که آن ها چه کسانی بودند و چه خیانت هائی در مسیر علم کلام کردند. گروه دیگر «غُلات» بودند یکی از بلاهای بزرگی که در آن زمان بود و امام باقرعلیه السلام با آن مواجه بودند این بود که غیر خدا مثلاً حضرت علی علیه السلام را خدا می دانستند. خود امیرالمؤمنین با گروه غلات بسیار مشکل داشتند امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز با آن ها مشکل داشتند.

و نمی دانم این ها چطور قرآن می خواندند و باز غالی بودند. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۱ء اللَّهُ الصَّمَدُ ۲ء لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ۳ء وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ ۴ء »(۱۷)

آیا صریح تر از این می شود با کسی حرف زد که خدا درباره توحید حرف زده چطور یک عدّه ای پیدا می شوند و ادعای خدایی می کنند. می گوید: «انّی أنا اللَّه»، «سبحانی ما أعظم شأنی» و «لیس فی جُبَّتی الّا اللَّه».

مگر ما چند خدا داریم؟ قبل از منصور حلاج خدا نبوده است؟ مثلاً منصور حلاج که به دنیا آمده، خدا بوجود آمده است؟! و همچنین دیگران، مگر نمی گوییم علی فرزند ابوطالب است؟ مگر نمی گوییم مادرش فاطمه بنت اسد است. خدا که «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ» است مگر «لَمْ يُولَدْ» را نمی بینید؟ کور هستید؟ باز هم می گویند علی خدا است؟!

من هنوز این منطق را متوجّه نشده ام که چطور انسان صفت خدا را در سوره قل هو اللَّه به این وضوح می بیند خدا هم یکی بیشتر نیست و این همه بوق و کرنا، که علی خداست. با هزار وصله توجیهاتی می کنند و می خواهند علی را خدا کنند.

علی علیه السلام که خود ادعای بندگی می کند شما به چه مجوّزی او را خدا می دانید؟!

مگر کاسه گرم تر از آش هم می شود؟! من نمی دانم بعضی ها مغز خر می خورند؟!

یکی از مشکلات مبارزه با غلات بود.

مرحوم حاج میرزا خلیل کمره ای کتاب بسیار نفیسی در مبارزه اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً این دو امام بزرگوار با غلات نوشته است.

یکی از مبارزات با خوارج بود که در آن زمان وجود داشتند الآن هم وجود دارند همین سلفی هایی که اسمشان را وهابی می گذاریم و این ها همان خوارج نهروان هستند منتهی با تغییر اسم و شکل و الّا ریشه همان ریشه است و با همان طرز تفکّرات مقدّسین خشکی که اسلام را به فضاحت کشیدند. الحمدللّه در این اواخر بعد از اوجی که گرفتند و فعالیّت هایی که انجام دادند امروزه با شکست مذهبی و سیاسی مواجه شده اند و دنیای امروز این طرز تفکّرات و این انحرافات را به این شکل نمی پذیرد و این ها رو به زوال هستند و انشاء اللّه خداوند کمک کند تا باقیمانده آن ها نیز جمع شوند و به جهنّم بروند.

می دانید که موضع گیری در مقابل این انحرافات و دفاع کردن از حریم دین کار ساده ای نیست. دقّت کنید! در قرآن می خوانیم: کسانی که در راه خدا می خواهند جنگ کنند نباید شل، کور، مریض و پیر باشند. شوخی نیست می خواهند بروند و جهاد کنند، سینه سپر کنند و با دشمن نبرد کنند. قدرت می خواهد نیرو و چشم می خواهد.

«لَيْسَ عَلَى الْأَعْمى حَرَجٌ وَ لا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَ لا عَلَى الْمَريضِ حَرَجٌ»(۱۸)

بابا تو کوری نمی توانی به جبهه بروی یک آخوند بی سواد اگر می خواهد امروز با خطوط انحرافی مبارزه کند اگر کور باشد معاف است نباید به او اجازه داد با افراد منحرف مبارزه کند. با دو پیچ

و تاب علمی او را به زمین می کوبند.

ما اگر بخواهیم امروز در مقابل این همه انحرافات بایستیم بایـد مجهّز به سـلاح علم باشـیم، حوزه های ما باید قوی باشد، افکار انحرافی را شناخت داشته باشد، طرز دفاع از حریم دین را باید کامل بداند و باید در این مسیر استعدادهایی بکار بیفتد.

یکی از دوستان طلبه ما با یک مقدار اطلاعات توانست یک خط انحرافی شدید را بکوبد.

ما باید به اطلاعات مجهّز باشـیم. امروز با بحث های آزادی که بوسـیله یک فرزند زهرا در قم انجام گرفت، جهانی از تسـنن را به زانو در آورد و چه قدر از مردم را از مسیر انحرافی روی گردان نمود و شیعه شدند.

علم می خواهـد، اطلاعـات می خواهـد، اطلاعات زیاد در دست دارد و با آن دشـمن را به زانو در می آورد. کور نمی بایـد به میدان جنگ برود، شل نباید به میدان جنگ برود انسان دو پا می خواهد تا بتواند راه برود با یک پا نمی شود.

علم و تقوی باید با هم باشند تا بتوانیم مبارزه کنیم اگر لنگ باشید نمی شود؛ بارها گفته ام ما می بایستی با علم نفوذی در مغز مردم و با تقوی نفوذی در قلب مردم داشـته باشیم اگر یکی را نداشته باشیم نمی باید مبارزه کنیم، آن که می خواهد به جنگ برود باید سالم باشد اگر بیمار باشد به جنگ رفتنش به نفع دشـمن است دشـمن او را به عنوان یک فرد به حساب می آورد در حـالی که او بیمـار و کالعـدم است، یـک آدمی که که خودش منحرف است بخواهـد با دشـمن مبارزه کنـد دشـمن از او سوء استفاده می کند. دفاع آدم سالم و بینای دو پا می خواهد نه یک پا، تا

بتواند دفاع کند. خیلی کار مشکلی است.

امام باقرعلیه السلام در جامعه جایگاهی داشتند کسی نمی توانست بگوید بالای چشم حضرت ابروست یعنی این قدر قداست و بزرگواری و عظمت داشتند که حتّی دشمنان جرأت بیان کردن نقطه ضعف از امام را نداشتند که حضرت را با آن نقطه ضعف زمین بزنند. از نظر علمی هم صغیر و کبیر و همه قشرهای جامعه اقرار به عظمت علمی این بزرگوار داشتند. آن وقت با این دو بال، بال علم و فضیلت و بال تقوی و عصمت توانستند در مقابل این هجمه حملات دشمن سینه سپر کنند و چه قدر موفقیّت داشتند.

اگر شیعه امروز در دنیا آبرویی دارد به برکت این دو امام بزرگوار است.

خداوند انشاء اللّٰه ما را با این خاندان محشور کند، خداوند ما را سر سفره صادقین علیهما السلام قرار دهد تا بتوانیم از این سفره پر برکت امامین همامین حداکثر استفاده را داشته باشیم و شکر خدا را بجا آوریم که الحمدللّٰه ما از این سرچشمه در علوم خود در حال ارتزاق می باشیم.

و السلام علیکم و رحمه اللّٰه و برکاته

پاورقی ها

۱) اصول کافی، شیخ کلینی: ج ۱ ص ۴۶۹ ح ۲ «...سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) یَقُولُ إِنَّکَ سَتُدْرِکُ رَجُلًا مِنِّی اسْمُهُ اسْمِی وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِی یَبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْراً فَذَاکَ الَّذِی دَعَانِی إِلَی مَا أَقُول...»

۲) کافی، مرحوم کلینی ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۴

۳) الغدیر، علامه امینی ج ۵ ص ۲۰۹ سلسله الکذّابین و الوضّاعین

۴) احقاف ۱۵: «و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است؛»

۵) بقره ۲۳۳

۶) مستدرک الوسائل، ج ۱۵ ص ۱۲۳ ب ۱۲ ح ۱۷۷۳۰: ابْنُ شَهْرَآشُوبَ فِی الْمَنَاقِبِ، کَانَ الْهَیْثَمُ فِی جَیْشٍ فَلَمَّا جَاءَ جَاءَتِ امْرَأَتُهُ بَعْدَ قُدُومِهِ لِسِتَّهِ أَشْهُرٍ بِوَلَدٍ فَأَنْکَرَ ذَلِکَ مِنْهَا وَ

جاءَ إِلَى عُمَرَ وَ قَصَّ عَلَيْهِ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا فَأَدْرَكَهَا عَلِيٌّ ع مِنْ قَبْلِ أَنْ تُرْجَمَ ثُمَّ قَالَ لِعُمَرَ ارْبَعْ عَلَى نَفْسِكَ إِنَّهَا صَدَقَتْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً وَ قَالَ وَ الْوالِداتُ يُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كامِلَيْنِ فَالْحَمْلُ وَ الرَّضَاعُ ثَلَاثُونَ شَهْراً فَقَالَ عُمَرُ لَوْ لَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ وَ خَلَّى سَبِيلَهَا وَ أَلْحَقَ الْوَلَدَ بِالرَّجُلِ.

۷) ابراهیم ۲۶

۸) همان

۹) مائده ۴۴: «و آن ها به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند کافرند»

۱۰) انعام / ۶۲: ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلاهُمُ الْحَقِّ أَلا لَهُ الْحُكْمُ وَ هُوَ أَسْرَعُ الْحاسِبِينَ.

۱۱) بقره ۱۴۴: «نگاه های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان می بینم! و اکنون تو را به سوی قبله ای که از خشنود باشی باز می گردانم»

۱۲) بقره ۱۴۴: «پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن!»

۱۳) حاقّه ۴۴ و ۴۵: «اگر او سخنی دروغ بر ما می بست، ما او را با قدرت می گرفتیم، و رگ قلبش را قطع می کردیم»

۱۴) نجم ۳ و ۴ و ۵: «و از روی هوای نفس سخن نمی گوید! آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! آن کس که قدرت عظیمی دارد او را تعلیم داده است؛»

۱۵) خلاف، شیخ طوسی ج ۱ ص ۳۳

۱۶) اصول کافی، شیخ کلینی ج ۱ ص ۳۹۹ ح ۳: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لِسَلَمَةَ بْنِ كُهَيْلٍ وَ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ: شَرِّقَا وَ غَرِّبَا فَلَا تَجِدَانِ عِلْماً صَحِيحاً إِلَّا شَيْئاً خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

۱۷) سوره توحید

۱۸) فتح ۱۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹